
آنها چه میخواهند!؟
نویسنده: انس داعی
سال 1393 سه شنبه 14 جوزا

بسم الله الرحمن الرحیم

آنها چه میخواهند !؟

انس داعی

شناسنامه کتاب

- نویسنده : انس داعی
- سری نشریات از: پاسخ جوان به اسلام ستیزان
- سال نشر: بهار1398
- عنوان : آنها چه میخواهند!؟

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعدَه. وبعدُ:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خوانندگان عزیز و مخاطبین بزرگوار!

از آن روزیکه خلافت را از دست دادیم و قانون الله از روی زمین برچیده شد و بجای آن قانون و نظام موضوعه حاکم گردید، امت اسلام با قبولیت این نظام فرسوده و دست ساخته بشر تن به ذلت و غلامی دادند و این اولین گام امت اسلامی به سوی تباهی و خواری و ذلت بود.

در حقیقت نظام دموکراسی و سکولار نزد ملت ها به مشابه یک دین شده که آمریکا خود را خدای آن دین میداند و برای تحمیل و تطبیق این نظام ناقص و گندیده ی خود، از هیچ نوع حملاتِ دریغ نکردند و نمیکنند.

با تمام توان و نیروی همه جانبه ی خود سعی در جهت فراگیری و جهانی ساختن و تطبیق آن دارند ولو که از هر راه و هر طریقی ممکن باشد حتی با جنایات علیه بشریت!

چنانکه ما شاهد جنایات بی شمار این سفاکان به بهانه مبارزه با تروریسم در ممالک اسلامی هستیم.

همان نظام هایی که خود را مدافع حقوق بشریت معرفی میکنند خود از پیش گامان در راه بدبختی و هلاکت بشریت و از عاملین خون و خونریزی بشریت در جهان اند!.

و آنچیزی که بنده را درد میدهد این است که عده ای از مسلمانان، علت ورود آمریکا و دیگر همپیمانانش را در ممالک اسلامی برای آوردن صلح و امنیت میدانند نه قتل و غارت و ...!

چنان فریب شعار های دشمن را خورده اند که از حقیقت اهداف پشت پرده ی این خون آشام ها غافل شدند.

البته من آنها را مقصر نمیدانم، چون میدانم این هم یکی از اهداف شوم دشمن بود که از طریق جنگ فکری با استفاده از رسانه های صوتی و تصویری جوانان ما را شکار کنند، و تا اندازه در هدف خود موفق هم شدند!

امروز این نظام های خون آشام حقیقت باطن شان را به تمام جهان آشکارا نشان میدهند، که چگونه از چنگال این خفاشان خون بشریت و امت اسلامی میچکد.

اما اکثر ما مسلمانان همچنان خود را به کوری زده ایم و ظاهراً چیزی نمیبینیم!

بدین مناسبت تصمیم گرفتم رساله ای بنویسم تحت عنوان (آنها چه میخواهند!؟) تا برای جوانان و به خصوص آنهایکه فریب مکر و نیرنگ دشمن را خورده اند و از تلبیس و دسایس دشمن نا آگاه هستند در روشنی عقل و اندیشه قرار بگیرند و از حقیقت آگاه شده باشند.

و ناگفته نباید گذاشت که اکثراً درین رساله تحقیقی از منابع و آمار دقیق خود آنها استفاده شده تا هیچ شک و گمانِ برای خوانندگان عزیز باقی نماند!

تصمیم بر اینست تا در این رساله ای که بصورت چند قسمتی خدمت شما عزیزان قرار خواهد گرفت که هر قسمت و عنوان شامل چندین بخش و زیر مجموعه ها خواهد بود،

حقیقت هایی را بازگو سازیم که خیلی های از ما از آن بی خبر و غافل هستیم...! ان شاءالله

شناخت دشمن و اهداف آن یکی از گام های اولیه و مهم و اساسی است، مادامیکه ما دشمن خود را درست نشناسیم و اهدافش را ندانیم چگونه میتوانیم از خود و حریم خود دفاع کنیم!

تا وقتی که ضربه و هدف حمله ی دشمن را ندانیم چگونه و از چه باید دفاع کنیم؟

چگونه میتوانیم در امان بمانیم!

چگونه میتوانیم از حریم دین و ایمان، عقل و اندیشه، باور، سرزمین، نوامیس، و نسل و ریشه ی خود دفاع کنیم؟!

سعی خواهیم کرد ابتداء برای شما عزیزان حقیقت این نظام های به ظاهر دلسوز و حامی بشریت را به معرفی پرداخته و در امتداد آن به اهداف و کارکردها و پروژه ها و نتیجه ی اهداف شان بپردازیم...

این سلسله مقاله و یا رساله ی پیش رو شامل فهرست و عناوین ذیل خواهد بود:

۱. اثبات دشمنی آنها از نصوص دین
۲. موسسات که غرب به راه انداخته اند.
۳. اهداف موسسات غربی
۴. تهاجمات نظامی بر ممالک اسلامی
۵. اهداف تهاجم نظامی
۶. جنایات جنگی
۷. تاثیرات تهاجمات جنگی بالای جوامع اسلامی
۸. نتیجه گیری
۹. پیشنهاد ها و راه حل

هر بخش شامل زیر مجموعه های دیگر خواهد بود که ان شاءالله مفصل به توضیحات هر قسمت و هر بخش خواهیم پرداخت.

قسمت (اول)

(اثبات دشمنی آنها از نصوص دین)

بزرگترین دلیل و برهان برای یک مسلمان، قرآن و سنت است. و الله کریم دشمن را در کلام پاکش به معرفی گرفته تا آنها را بهتر بشناسیم و بارها در آیات مختلف تاکید فرمودند که آنها هرگز دوست شما نمیشوند.

چنانکه در سوره بقره آیه 120 میفرماید:

(وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ)

ترجمه: «و یهودیان و مسیحیان هرگز از تو راضی نمی‌شوند، مگر آن که از کیش آنان پیروی‌کنی»

یعنی: اگر تمام پیشنهاداتشان را هم بپذیری و برآورده سازی، از تو خشنود و راضی نمی‌شوند.

زیرا خواسته آنها، معجزات و نشانه‌هایی نیست که به تو پیشنهاد می‌کنند، بلکه خواسته واقعی آنها برگرداندنت از دینت به سوی دین خودشان وپیروی‌ات از خواسته‌ها و هوس های شان است.

و همچنان در سوره مائده آیه 82 میفرماید: (لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا)

ترجمه: هر آینه دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت،

سوال که برای ما ایجاد میگردد این است که: چرا کفار با ما در جنگ اند؟ و چرا همیش سعی بر این دارند تا ممالک اسلامی را اشغال کرده، زن و مرد، پیر و جوان مسلمانان را از زیر تیغ خود کشیده، خانه و کاشانه ما را ویران کنند؟

نزد ما چه چیزی با ارزش وجود دارد که آنها وطن، زن و اولاد خود را رها کرده به ممالک اسلامی هجوم آوردند!؟

آیا جنگ آنها برای نفت و معدن طلا و ... است و یا اینکه مقصد و هدفِ خاص تر از این دارد!؟

قرآن در سوره بقره آیه 217 این پرسش ما را به ساده ترین وجه پاسخ میدهد:

(وَ لا يَزالُونَ يُقاتِلُونَكُمْ حَتَّي يَرُدُّوكُمْ عَنْ دينِكُمْ إِنِ اسْتَطاعُوا)

ترجمه: و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند،

پس از این معلوم میشود که برای دشمن نفت و معدن_طلا خطر نیست بلکه خطرناکترین چیز برای کفار ایمان و عقیده مسلمان است (البته ایمان و عقیده که بر اساس قرآن و سنت باشد)

همانطور که عرض شد ، هدف اصلی و هجوم آوردن یهود و نصاری بر کشور های اسلامی حمله ی مستقیم بر اسلام و عقیده ی مسلمانان است، از راه ها و طریقه های مختلف...و حتی با هزینه های هنگفتی که از سوی دشمن سرمایه گذاری میشود.

و بیشترین قشری که در جوامع اسلامی از سوی دشمن مورد آسیب و هجوم قرار میگرند قشر مسلمانانِ پایبند به عقیده ی درست و تفکر صحیح اسلامی است.

به عنوان مثال در یک جامعه علما و اندیشمندانی که حق را بیان میدارند بدور از هرگونه غل و غشی و اسلام خالص را به مردم معرفی میکنند میبینیم که در مدت کوتاهی با دسیسه های مختلف از سوی دشمن سرنگون میشود.

و یا اینکه اکثر جوانان توسط ابزار جنگ فکری (دشمن) شستشوی مغزی داده میشود که در آخر به جامعه یک دموکراسی خواه و سکولر ظاهر میگردد

زیرا مهمترین گروه محرک در یک جامعه_اسلامی جوانان آن سرزمین است و همچنان اساتید و علما و اندیشمندان دلسوز...

پس دشمنان هم مستقیم دست گذاشتن بر روی مهمترین و با ارزشترین و قوی ترین سرمایه های کشور های اسلامی.

که این داشته ها خیلی باارزش تر از معادن و ذخایر سرزمین های اسلامیست، که همین ایمان و عزم و اراده قوی مسلمانان، شده کابوس وحشت یهود و نصاری.

همین عقیده ی پاک و ناب اسلامی بود که جوانانِ چون صلاح الدین ایوبی را از سرزمین های خاکی و پهناور اسلامی به تمام جهان تقدیم داشت که تا هنوز دشمن از تکرار و مرور تاریخ زرین گذشته اسلام و فاتحان بزرگ کشور های اسلامی تن شان می لرزد و از تکرار دوباره ی آن تاریخ و آن افراد بزرگ می ترسند و به خود می لرزند.

برای همین اجازه نمیدهند عقیده صحیح اسلامی طبق قرآن و سنت در جوامع اسلامی نشر و ترویج بیابد.

اجازه نمیدهند صدای حق از سوی علماء راستین در جامعه بلند شود.

قسمت (2)

موسساتی که غرب به راه انداختند!

در واقع دشمن قبل از اینکه بخواهد به ممالک اسلامی هجوم بیاورد تدابیر کامل خود را میگیرد، که چگونه این ممالک را تحت اشغال و استعمار خود دربیاورند.

و یا اینکه برنامه هایی راه اندازی می کنند تا این استعمار و اشغال شان سالهای متمادی دوام بیاورد.

باور بنده طبق برداشت که از سیره و غزوات پیامبر صل الله علیه وسلم و اصحاب بزرگوارش (رضی الله عنهم) کرده ام این است که: دشمن تنها با جنگ نظامی نمیتواند بر مسلمانان غالب شود، و آنها را زیر سیطره و حاکمیت خود بیاورند مگر با به راه انداختند جنگ فکری به اشکال مختلف ....

هنگامی که ما اسمی از جنگ فکری میبریم به ذهن اکثر ما تلویزیون، رادیو، مجله، دانشگاه های مخصوص و برنامه های مختلف دیگر خطور میکند.

و شاید برای بعض ها سوال پیش شود که؛ _چگونه در زمان صدر اسلام جنگ فکری وجود داشت؟

در حالیکه اصلا چنین ابزار در آن موقع موجود نبود!؟

بلی، نظر به زمان ابزار هم فرق میکند چنانکه در آن زمان جنگ نظامی با شمشیر، نیزه و تیر بود ولی الان به صد ها ابزار پیشرفته و مدرن تهیه و آماده شده است.

جنگ فکری هم همینگونه است، در آن زمان دشمن مخفی و علنی در کوچه و بازار تبلیغات میکردند و همه یکجا جمع شده پلان های مختلف طرح میکردند تا به اسلام و ایمان آنهایکه دین را قبول کردند ضربه بزنند.

چنانکه یکی از طرح های جنگ فکری یهودیان این بود که به ظاهر و به دروغ شب ایمان میاوردند و روز کافر میشدند تا با دیدن این صحنه ایمان مسلمانان دیگر هم سست شده و از دین اسلام برگردند.

و این حقیقت را الله رب العزت در سوره آل عمران آیه 72 آشکار میکند، آنجا که میفرماید: (وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)

ترجمه: و گروهی از اهل کتاب گفتند: به دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز ایمان آرید و آخر روز کافر شوید، شاید (به این حیله) آنها نیز (از اسلام) برگردند.

چنانچه امروزه صدای حق به نحوه های‌مختلف از سوی دشمن خفه میشود و نمی گذارند حق و حقیقت اسلام بیان شود و ایمان صحیح در قلب های مردم نهادینه شود.

با سر و صدا های شان با خفه کردن صدای علما و جوانان اندیشمند و ترور و زندان ساختن آن ها و مانع پخش و نشر عقاید اسلامی میگردند.

در آن زمان هم دشمنان اسلام سعی داشتند تا صدای حق را خفه سازند.

هنگامی که در منطقه ای مردمانی به اسلام دعوت داده میشد و برای آن ها قرآن و آیات پروردگارشان تلاوت و ترجمه و تفسیر میگردید

دشمنان اسلام سر و صدا برپا میکردند تا مبادا صدای قرآن به گوش مردم بنشیند و مانع شنیدن شان میشدن.

زیرا خوب میدانستند این کلام،

کلام عادی نیست که شنیده شود و فراموش شود.!

بلکه این کلام الله متعال است که از طریق شنیدن بر روح و قلب انسان می نشیند و در سینه ها جا میگیرد.

بلی می گفتند: سر و صدا کنید و نگذارید صدای قرآن به گوش مردم برسد.

چنانچه الله متعال در سوره فصلت آیه 26 از این جنگ فکری آگاه مان میسازد؛

(وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ)

ترجمه: و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

خلاصه اینکه دشمن تنها به جنگ نظامی اکتفا نکرده است بلکه با هزاران موسسه آشکار و پنهانی دیگر مصروف جنگ فکری اند که همه روزه جوانان ما را قربانی دسیسه های شوم خویش کردند و میکنند.

موسسات که غرب به راه انداختند تعداد بی شمار است ولی خیلی از برنامه هایشان علنی و آشکارا است که همه با نام و بعض عملکرد آنها آشنایی داریم ولی از اهداف شان نه، مانند: رادیو، تلویزیون، مجله، دانشگاه های مخصوص، جامعه مدنی، ملی گرایی، حقوق بشر، خانه امن، یونسف، فلم و سریال های ادیت شده، آزادی بیان، روشنفکر دینی، جمیعت فکر، نصاب های درسی مکاتب و دانشگاه، صلیب سرخ، و غیره...

چیزی که فریبنده است القاب و عناوین و اسم هایی است که برای این موسسات انتخاب گردیده.

اسم های بزرگ و فریبنده که در ظاهر نشان میدهد چه اندازه این ها دلسوز یک ملت هستند و چه اندازه این ها به حقوق بشر و انسانیت اهمیت میدهند و از آن ها حمایت میکنند.

در حالی که اینها دلسوز زن و کودک سرزمین های اسلامی نیستند.

اینها نگران این‌نیستند که زنی در گوشه ی شهری شکنجه میشود تا برای وی نهاد حمایت از زن بسازند و خانه اَمن.!

نخیر...!

اینها نگران همان ایمان و عقیده ی زنی هستند که به دُور ترین نقطه ی شهری در کشور فقیر و خاکی افغانستان و غیر ممالک اسلامی چادر وحجابی بر سر دارد و ایمانی مستحکم و استوار.

فقر اجتماعی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، و.... در افغانستان اینها وجود دارد اما فقر ایمانی نه.

برای همین سعی کردند تا این فقر را هم در جامعه انتشار دهند با تبلیغات و شعار های فریبنده شان.

آیا واقعا در شعارهایشان صادق اند!؟

آیا واقعا موسسات حقوق بشر در اجتماع حقوق انسانها را تامین میکند؟

آیا واقعا از تمام کودکان و زنان این سرزمین حمایت صورت میگیرد و پناه داده می‌شوند؟

آیا رسانه هاو برنامه های شان فقر فرهنگی و علمی کشور را بهبود میبخشد؟

قسمت_دوم

بخش اول

(موسساتی که غرب به راه انداختند)

جامعه مدنی:

مفهوم جامعه مدني، در برابر واژه انگليسي"Civil Society " و فرانسوي "Civil Societe " به كار مي رود. كلمه "Civil " از واژه لاتين "Civis" مشتق شده است كه در دوران قديم به معناي"جامعه شهروندان" به کار میرفت.

جامعه مدنی نه تنها در افغانستان بلکه در جوامع مسلمان و غرب نشین هم فعالیت میکنند، اگرچه این گروه دنبال قدرت و کُرسی نیستند ولی ربطی عمیق و سیاسی با دولت دارد.

در واقع (جامعه مدنی) یکی از ابزار جنگ فکری دشمن است مانند سایر ابزارِ که اکثراً با شعار های فریبنده، زنان را بی حیا و جوانان را گمراه کرده است.

همچنان به مانند یک ناظم در منطقه و میان دولت_مردان بوده که نمیگذارد کسانیکه خود را (دموکراتیک و دموکراسی خواه) میدانند از نظم و قانون نظام طاغوتی سر پیچی و یا کوتاهی کند.

شعار شان همین است که؛ باید برای زنان آزادی کامل داده شود، که از تحصیل شروع تا کاندیدا شدن در انتخابات های پارلمانی و ریاست جمهوری ...

نباید هیچگونه تبعیض_دینی میان ملت باشد.

یعنی: مسلمان، سیک، عیسوی، و یهودی همه کنار هم بوده برای حفظ امنیت کشور و ترقی آن کوشا باشیم.

و حتی در بعضی صفحات از این کارکرد خود یاد کرده و افتخارانه میگویند که در مبارزات انتخابات پارلمانی یک سیک را وادار به این نمودیم تا در این انتخابات به نمایندگی قوم خود اشتراک کند.

و این مفکوره کلاً در مغایرت با شعایر اسلام قرار دارد.

اسلام مانع تحصیل بانوان نشده و نمیشود حتی در هر مقطع که درس بخوانند ولی هیچگاه به بانوان این جواز را نداده است که باید زمام امور را بدست گیرد و یا رئیس جمهور وقت شود (بنا بر حکمت و فلسفه که دارد)

و همینگونه در جوامع اسلامی درست و جایز نیست که یک هندو، سیک، و یهودی بالای اکثریت مسلمانان فرمانروایی کند.

در حقیقت این همه از اصول و قوانین نظام های موضوعه است که این مزدوران شب و روز بدون وقفه تلاش بر این دارند تا نظام اسلامی را قبیح و نظام غرب را خوب جلوه دهند، و برای همین از طرف سازمان های بین المللی حمایت مالی میشوند.

و این نه آنست که بنده از پیش خود بیان کنم و این موضوع پوشیده هم نیست.

شما در گوگل یک سرچ ساده بکنید و اینرا در سایت و وبلاگ ها خواهی خواند که: جامعه مدنی از طرف سازمان های بین المللی حمایت میشود...

اما چرا حمایت!؟

گفته اند: برای حفظ و دفاع از ارزش های دموکراتیک...!

و همچنان خواهان آزادی زنان از قید رسم و رواج، فرهنگ زشت و ظلم های که به شهر و مناطق دور دست افغانستان صورت میگیرد.

اما آیا اینها در واقع برای آزادی اندیشه زن ها میکوشند یا برای دور کردن حجاب و عقاید آنها!؟

و برای اینکه وظیفه خود را به خوبی انجام بدهند حاضر اند نقش و دیالوگ های خوبی را بازی کنند.

مثلاً اگر کسی با داشتن عمامه و ریش مرتکب زنا شد و یا بر کسی تجاوز کرد فوراً به کمک رسانه ها این مسئله را به اسلام ربط داده جهانی میسازند ولی اگر استاد دانشگاه و یا فلان دگروال بالفعل به تجاوز بالای زنِ محکوم گردید اینجا صدایشان خفه میشود، چون نظام کفری و طاغوتی زیر سوال میرود.

و در میان این گروه اشخاصی حضور و فعالیت دارند که افکار منحرف و یا اکثراً ندانم گرا هستند،

چنانکه یکی از بانوان فعال عضو (جامعه مدنی) در صفحه فیسبوکش نوشته بود که؛ باید آزادی ادیان و عقیده حق یک شهروند باشد و مردم حق انتخاب داشته باشند که عیسویت را قبول کنند یا اسلام را، یا سیک باشد و یا یهودیت را بپذیرد.

و حتی اکثراً بعضی احکام اسلام را نقد کرده و آنرا به تمسخر میگیرند مانند: قطع ید سارق و حکم سنگسار.

یعنی اجرای این احکام را ظلم بر بشریت میخوانند

خلاصه اینکه:

1. جامعه مدنی داعیان نظام های موضوعه هستند که با شعار های فریبنده و میان تهی میخواهند نظام کثیف و خونخوار غرب را برای ملت ها خوب و زیبا جلوه دهند.
2. اکثراً مهنت شان بالای بانوان است چنانکه همیشه آنها را به خانه (امن) صدا میزند و آنجا با چه نا امنی ها مواجه میشوند به احدی پوشیده نیست و نباید همباشد.
3. تمام کمک ها از طرف سازمان های بین المللی میشود آنهم فقط برای دفاع از ارزش های دموکراتیک و بس!
4. مفکوره و ایده هایشان تماماً کفری و خلاف موازین اسلام است.

پس اینها خائن و مزدورانِ هستند که ایمان و وجدان خود را فروخته و برای دشمن دست یاری میدهند،

و حکم شان عین همان حکم دشمن است، چون اینها کسانی اند که جنگ سرد دشمن را پیش میبرند و حجت بالایشان قائم شده است.

(موسسات که غرب به راه انداختند)

بخش_دوم

پرومو‌ت

قبل از اینکه بالای اصل موضوع بحث را شروع کنیم میخواهم یک نکته را عرض بدارم و آن اینکه:

ممکن بعضی از خوانندگان گرامی فکر کنند که بنده تنگ نظر، منفی نگر، کهنه فکر و یا افراطی ام ...

ولی شما اندک بالای آیه (وَلَن تَرْضَى عَنکَ الْيَهُودُ وَلاَ النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ) غور و تدبر کنید؛

چگونه از دشمنِ که الله ما را از آن برحذر داشته و از دوستی با آنها منع فرموده، امید خیر خواهی را داشته باشیم**!؟**

دشمنِ که الله آنرا به معرفی گرفته، واضح بیان میکند (وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا) کفار با شما همیش کارزار و در جنگ است تا زمانیکه شما را از دین تان برگرداند.

ولی ما میگوییم نه، آنها همیش خیر خواه ما بوده و بر حفظ امنیت کشور و ترقی آن میکوشند.

شاید بگویند: اینکه (ما) بعضی برنامه ها و پروژه ها را پیش میبریم به این معنی نیست که دین و دستورات اسلام را ترک کرده باشیم.

کلمه را تکرار میکنیم، نماز میخوانیم و حجاب به سر میکنیم مگر چیزی از مسلمانی ما کم شده است**!؟**

خیر**!** چیزی از شما کم نشده است چون شما همان مسلمان ارثی بودید و هستید که نه از عقیده درست چیزی میدانید و نه توحید را درست فهم کرده اید.

با کفار دوستی و موالات میکنید، طاغوت را به داوری قبول کرده اید، ولاء و براء را در نظر نمیگیرید و یا اصلاً نمیدانید چه معنی و مفهوم را ارائه میدارد،

در حالیکه ولاء و براء، کفر بالطاغوت و ... لازمه ی یک مسلمان است.

خب میگذریم و میاییم بالای اصل موضوع:

پروژه_پرومو‌ت یکی دیگر از برنامه های دشمن است که خاص برای بانوان طرح ریزی شده است، همین که کلمه پرومو‌ت را در گوگل سرچ کنید با چنین عنوان بر میخورید (پرومو‌ت: زنان در حکومت)

یعنی هدف از این پروژه، بیرون راندن دختران جوان از خانه تحت مدیریت و ماحول دشمن است تا آنها را شستشوی مغزی داده به سطح رهبری رسانده و به کُرسی دولت بنشانند.

البته بنده چنین مفکوره ندارم که (باید) زن خانه نشین باشد. نخیر، بلکه منظورم این است که نباید زنان تحت مدیریت دشمن قرار گرفته و از آنها مانند یک ابزار استفاده شود.

چون تربیت دختران و زنان امروزی ربط مستقیم به نسل بعدی دارد.

اگر از یکی اعضای این پروژه بپرسید که شما میخواهید رهبر، وکیل پارلمان، و یا ریس جمهور شوید**!**؟

بلافاصله میگوید: بلی، مگر ما چه کمی از مرد ها داریم؟

یعنی بعد از رفتن به این پروژه و چند ماهی را گذراندن، مساوی خواه میشوند و بعد برایش سوالات پیش میشود، وقت ما همه انسان هستیم، چرا ارث من نصف ارث مرد است؟ چرا دیه مرد و زن فرق دارد؟ چرا مرد میتواند رهبر شود ولی زن نه؟

چنانکه سیکولار های تونس تظاهراتِ را براه انداخته بودند جهت مساوات زن و مرد و مسائل میراث ...

بلی!

خواست دشمن همین است تا امت اسلام با القاب انسانیت، مساوات و برابری فریب داده و از آنها مانند ابزار علیه اسلام و احکام آن کار بگیرند.

و #سوزان_مرکم، هماهنگ کننده ارشد در امور زنان و مساوات جنسیت در اداره انکشافی ایالات متحده در مصاحبه ای اختصاصی با تلویزیون آشنا صدای امریکا گفت:

"پروژه پرموت برای زنان افغان فرصت فراگیری مهارت های تجارت و مدیریت را امکان پذیر میسازد، تا زنان بتوانند به سطح رهبری راه یابند و به پست های مهم و کلیدی حکومت ایفای وظیفه نمایند."

و هیچ شخص به سطح رهبری و به کُرسی دولت (فعلی) نمیرسد مگر اینکه مفکوره سیکولاریسم و یا اینکه به قوانین موضوعه کفار راضی باشند.

و جالب اینجاست که این پروژه طراحی شده و ساخت ملل متحد آمریکا بوده و در مدت سه سال ۷،۸۹ ملیون دالر مصرف شده است.

پس بدانید که پلان و هدف دشمن بزرگتر از آن است که ما فکرش را میکنیم

و خواستن امنیت، صلح، و خیر از آمریکا، مانند هدایت خواستن از شیطان به راه راست است.

خلاصه اینکه:

1. خواست پروژه پروموت همین است تا همه دختران و زنان زیر کنترل اینها درآمده و تحت تاثیر منهج فکری غرب بروند مانند: (رهبری، ریاست و ...)

2. فریب دادن بانوان زیر اسم مساوات جنسیتی و انسانیت، و رو آوردن آنها به شک و شبهه.

مانند: (میراث، دیه و ...)

3. تقویت نظام های موضوعه و دوام اشغال در ممالک اسلامی با به راه انداختن همچو پروژه ها

پس بدانیم که عقب تمام برنامه های دشمن چاه های حفر شده است که با افتیدن به آن حیا، عزت، عقیده سالم و خلاصه ایمان کامل را از دست میدهیم.

(موسساتی که غرب به راه انداختند)

بخش_سوم

یونیسف

یونیسف در دسامبر سال 1946م به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایجاد شد که در اکتوبر سال 1953م مجمع عمومی این سازمان را به عنوان یکی از ارکان دائمی سازمان ملل شناخت و نام آن را از صندوق بین‌المللی اضطراری کودکان سازمان ملل به نام فعلی تغیر داد و فعالیت‌های یونیسف عمدتاً در جهت ارائه کمک‌های لازم و حمایت از کودکان کشورهای در حال توسعه است.

شعار این سازمان چنانکه روی لوگوی شان میبینید دو طرف کره زمین شاخه های گندم است و یک طرف هم مادر که طفل را در آغوش گرفته است،

یعنی سازمان یونیسف مانند یک مادر است برای کودکان بی سر پرست و همچنان حامی سرسخت زنان زیر نام حقوق بشر...

و همچنان ادعا دارند که ما به آزادی بیان حق و احترام قائل هستیم و کشور های متحد علیه تروریست ها (باید) قوانین جنگ را مراعات کنند.

ولی همه اش در حد یک ادعا است!

چنانکه همه روزه شاهد عملیات هوایی صلیبی ها در سوریه، عراق، شام و افغانستان هستیم که چگونه خانه های ملکی را منهدم، زنان و کودکان را به خاک و خون کشیدند و میکشند، اینجا نه صدایی ازین سازمان (به ظاهر) دلسوز بلند میشود و نه هم مانع حملات بی رحمانه و شیمیایی اعضای خود بالای مردم ملکی مسلمانان میشوند.

و اکثر کشور های که یونیسف را حمایت مالی میکنند کفار حربی اند که مستقیم و غیر مستقیم علیه مسلمانان در جنگ اند.

همه باید بدانیم که اینها صرفاً برای منافع غرب فعالیت میکنند نه برای مسلمین!

چنانکه در دو دهه قبل سال 1991 بالای عراق در جنگ اول خلیجی، یونیسف تحریماتِ را وضع کردند که اینجا دوا ها صادر نشود تقریباً

پنج_صدهزار_طفل_تلف_شد

فقط بخاطر اینکه اینها به امراضِ مصاب شدن و ادویه برایشان نرسید و دلیلش هم یونیسف بود که آنجا ارسال ادویه جات را تحریم کرد.

و همچنان در سودان یک فابریکه تاسیس شد، آنجا دواهای را میخواست تولید کند که خیلی از اطفال به ذریعه همین دوا نجات یابد ولی آمریکا رفته همین فابریکه را بمباردمان کرد،

این مسئله یک ادعا نیست رفته در تمام مجله ها و اخبار سال 1991 ببیبنید که این امر درج شده است یا خیر!

بیاییم دور نرویم، همین شب و روز ائتلاف هفتاد کشور جهان با پنج سازمان بزرگ که علیه مردان (باغوز) در جنگ اند از فاسفور استفاده میکنند (در حالیکه استفاده فاسفور در تمام دنیا منع است) و حتی با توپ های سنگین تمام خانه ها را منهدم میسازند و بعد تسلطِ بر منطقه پیدا میکنند.

چنانکه با مردم موصل همین رویه شد و چه اندازه اطفال و زنان که زیر دیوار ها جا مانده بودند...

و همین دیروز (در شهر باغوز) از یک طرف تمام منطقه را زیر آتش گرفتند و از سوی دیگر شفاخانه آن شهر را هم ویران کردند،

اینجا نه از یونیسف خبری است و نه هم از حقوق بشر!

چون عامل، کسانی اند که این سازمان را حمایت کرده و میکنند.

اگر در یکی از جوامع اسلامی حکمی از احکام اسلام تطبیق شود مانند: ید سارق و یا رجم_سنگسار، از یونیسف شروع تا حقوق بشر و سازمان ملل خشمگین شده و اعتراض میکنند که اینجا ظلم بر انسانیت صورت میگیرد؛ ولی زمانیکه حامیان یونیسف و حقوق بشر فقط برای تطبیق نظام کثیف خود هزاران خانه را منهدم، به صدها زن را شهید و تعدادی کثیری از اطفال را زنده میسوزانند، اینجا نه خبری از حقوق بشر است و نه از هم یونیسف...

خلاصه اینکه:

۱. یونیسف جنگ سرد دشمن را پیش میبرد و چنان به #امت_اسلام وانمود میسازند که گویا غربی ها مهربان ترین انسان ها و نظام شان عادل ترین نظام است (در حالیکه ما ظلم و جنایات غرب را فراموش نکرده ایم و نمیگذارند هم که فراموش کنیم چون هر روز تکرار میکنند)

۲. متنفر از اسلام_سیاسی و مانع تطبیق احکام آن است چون اینها کوشا بر حفظ نظام دموکراتیک اند و نظام اسلام و دموکراتیک در مغایرت کامل باهم قرار دارند.

۳. چه با لباس نظامی و با توپ و تانگ بیایند و چه هم با لباس عادی زیر نام یونیسف و حقوق بشر، هر دو یک هدف داشته و یک جنگ را به پیش میبرند که بقای اشغال و دوام استعمار است.

پس به کلام الهی باور و یقین کنید (که اینها دوست شما نمیشود) ولو به هر لباس و زیر هر اسم که باشند.

(موسسات که غرب به راه انداختند)

بخش_چهارم

واکسین_پولیو

طبق تحقیق و آمار سازمان صحی جهان، در تمام دنیا هفت ملیارد انسان زندگی میکند و از این میان60 درصد آن، مصاب به مرض پولیو هستند.

سوال اینجاست که در دنیا خیلی امراض دیگر هم است از قبیل زردی سیاه، ایدز، سوراخ قلب، سرطان و... که به ملیون ها انسان بدان ها مبتلا اند، چه اندازه اطفال بخاطر اینکه پدر و مادرش مصاب به مرض ایدز است جان میدهد؟

و چه تعداد اطفال فقط برای نبود آب تلف میشود؟

حتی راپور ها نشان میدهد در آفریقا تنها در یک روز 6 صد طفل جان داده است.

بنابر بر گزارش سازمان صحی جهان؛ از آغاز شیوع مرض ایدز تا اکنون 70 میلیون انسان به آن مبتلا شده است،

1.1 ملیون آمریکایی به مرض ایدز مبتلاست که 15% آن ها زیر سن هستند.

و تا کنون مرض ایدز جان 35 ملیون انسان را گرفته است.

چگونه این همه امراض را رها کرده آمده اند دنبال پولیو تا 60 درصد انسان ها را نجات دهند!؟

پس حقیقت چیست!؟

داکتر #ایلین_کمبل، که یک داکتر طبی است، در خیلی موارد تحقیقات دارد خصوصاً بالای ایدز، در مجله های سال (1972) در جلد هفتاد و چهار، صفحه (952) میگوید:

"غرب تحت کمپاین محو بیماری ها و واکسین ها میخواهد حالت دفاعی ما را از بین ببرد."

و به تایید این سخنان باید گفت: (بلگیتس) رئیس شرکت مایکروسافت هم یک پروژه را تمویل کرده بود زیر نام (کنترول نفوس توسط واکسین)

و داکتر ایلین کمبل در ادامه میگوید:

"ایدز و پولیو کدام ویروس طبیعی نیست بلکه ساخته شده هستند."

که ایشان در همین مورد دو جلد کتاب نوشته (مرگ خونین _ داکتر ها و ایدز) و بعد بیان میکند مؤسس ایدز و پولیو کیست؟

(جان ایدور سلک) یک ساینس دان یهود که خودش هم راهب دین یهود است و اسمش خاخام است، او یک انستیتوت دارد در کالیفورنیا_آمریکا بنام (انستیتوت مطالعات بیولوژیکی سلک) بودیجه یکساله آن یک کرور بیست لک دالر است و در حدود چهار صد تکنالوژیست_بیولوژی در آن فعالیت میکند.

در سال 1955 در حدود چهار هزار شادی را از فلپین و بنگلادیش جمع کرده به انستیتوت خود آورد.

بالایشان چندصد فعالیت را انجام داد، بعد گرده های اینها را کشید و از گرده هایشان حجرات آنها را دیده و تحقیق کردند و از آن قطرات پولیو را ساخت.

و همچنان آمده است از جنین سقط شده هم پولیو جور میشود، و در میان 30 سال، 60 کرور عایدات داشتند.

شاید اکثر دوستان که این بخش را مطالعه میکنند باور نکنند و بگویند: این سخنان شایعات، خرافات و کهنه اندیشی عوام است ولی من شما را دعوت میکنم به دیدن ویدیو ای (مایکل دورمن) که بالای (ویروس 40 اس وی) تحقیق کرده و میگوید: "قطرات واکسین ویروس های سرطان و ایدز دارد که به مرور زمان به این تبدیل میشود.

لینک ویدیو در یوتیوب، به زبان انگلیسی 👇

https://youtu.be/c8DNQgdAWx4

و همچنان یک ساینس دان آمریکایی در مورد ضرر های واکسین پولیو مفصل و واضح بیان میکند.

لینک ویدیو در یوتیوب مشاهده کنید 👇

https://youtu.be/ahHJo-w9eo8

این بیانات از طرف من و از زبان کدام عالم دین نیست که شما به آنها نسبت جهل دهید بلکه دانشمندان غربی اند که حقیقت (پولیو) را بیان میکند.

اینرا باید بدانیم که هیچ برنامه و پروژه دشمن برای امت اسلام عاری از خطر نیست، چنانکه یک رأس آمریکایی در ائتلاف هفتاد کشوری علیه (مسلمانان اسلحه بدست) گفت:

خروج ما از سوریه به معنی ختم جنگ نیست، بلکه آغاز مبارزه برای جنگ کهنه است (و اینکه جنگ کهنه چه معنی خودتان میدانید)

پولیو ویکسین اور ایس وی 40 وائرس
پہلے زمانے میں جنگیں تلوار اور خنجر سے ہوتی تھی پھر اس کے بعد کلاشنکوف ٹینک اور آتشین مادے (بارود) سے ہونگے... لیکن آج کل اور آنے والے وقت کی جدید اسلحہ حیا...
https://www.youtube.com/watch?v=c8DNQgdAWx4&feature=youtu.be



(اهداف موسسات غربی)

قسمت_سوم

تمام مؤسساتی که از طرف غرب راه اندازی شده است یک هدف داشته و همه برای تقویه نظام های موضوعه فعالیت میکنند، و اشخاصی که برای تطبیق نظام سکولاریزم قلم میبردارند و عده ای هم تفنگ، مجبور و مکلف اند تا مخالفت صریح با اسلام و احکام آن را اعلام کنند.

البته آنها با اسلامِ مخالف اند که در مدینه حاکم بود و سربازانش آن سویی مرز ها (با دشمنان الله و رسولش) کارزار میکردند، نه اسلام که مختص مساجد، خانقا و معابد باشد.

و هدف از نظام سکولاریزم همین موضوع است،

یعنی: جدایی دین از سیاست،

و برای همین مؤسسات راه اندازی شده است تا به ملت ها چنان ذهنیت و مفکوره بدهند که اسلام توانایی اداره حکومت و جامعه بشری را ندارد.

به یاد داشته باشیم که داشتن چنین مفکوره کفر است چون این اندیشه غربی است، یعنی از ما میخواهند تا حکم مخلوق را بر حکم خالق ترجیح بدهیم،

میخواهند به ما چنین ذهنیت دهند که حکم تنها از آن آمریکا و نظام سکولاریزم است.

اگر به فرانسه سفر کردیم باید اسلام ما پسوند فرانسوی بخورد (اسلام فرانسوی)

اگر آمریکا رفتیم باید اسلام ما (آمریکایی) باشد یعنی به سبک غرب!

اسلام میگوید: 《لا اکراه فی الدین》 در قبولیت دین اجبار نیست، ولی نظام های موضوعه ترا مجبور به تعظیم نظام خود میکند اگر سرکشی و ایستادگی کردید با توپ و تانگ سراغ تان می آید.

عمق موضوع همین است که: غرب میخواهد ادیان، خصوصاً اسلام مانند یک ایدیولوژی و نظریه باشد، نه دخالت به زندگی مردم و نه جایگاه به سیاست داشته باشد.

چنانکه عیسویت را مختص کلیسا کرده اند، یوگا را مختص ورزش و اسلام را میخواهند مختص مساجد بگردانند

و نجم الدین اربکان رحمه الله برای کسانی که از او میخواستند از فعالیت های سیاسی کنار رود و به گوشه مسجد بنشیند، فرمود: « شما از من میخواهید که در مسجد بنشینم سپس خود در مکتب برای فرزندم دشمنی با اسلام را آموزش دهید

"قسمت چهارم"

تهاجمات_نظامی_بر_ممالکی_اسلامی

غربی ها پیش از اینکه بر ممالک اسلامی هجوم آورده و آنها را تحت اشغال گیرند، میان خود درگیر جنگ و خونریزی بودند،

حتی کشور آمریکا که 239 سال پیش (1776م) پایه گذاری شده، 222 سال آنرا در جنگ با دیگر کشورها یا بین خودشان سپری کرده است و تنها 17 سال را در صلح به سر برده (البته این آمار تا سال 2015 می باشد)

America Has Been At War 93% of the Time - 222 Out of 239 Years - Since 1776 - Washington's Blog
http://washingtonsblog.com/2015/02/america-war-93-tim-222-239-years-since-1776.html

و آمریکا که خود را ناجی بشریت میداند و چند مزدور دیگر هم که از توصیف آن زبان باز نمیدارد حتی علما سو،

بدانیم که تنها در نیمه دوم قرن بیستم حدود 100 کودتای نظامی و براندازی حکومت‌ها را طراحی و رهبری کرده است و ده‌ها بار بطور مستقیم دست به اشغال نظامی کشورها زده است و یا آنها را تهدید به مداخله نظامی کرده است.

شما میتوانید با یک جستجوی ساده به گوگل، به تمام این رویداد ها و جنایات جنگی آمریکا روبرو شوید.

بعداً با بهانه های واهی مانند: مبارزه با هراس افگنی و تروریزم، (با اذعان نمودن اینکه، اینها تهدید برای جهان هستند) پای کثیف شانرا به سرزمین های اسلامی کشانیدند، و با اولین ورود شان جان هزاران انسان از جمله کودکان را گرفت.

از سال 2001 تا حال، با حضور نظامی، آمریکا در افغانستان درگیر جنگ مستمر و توقف ناپذیر بوده است.

و در سال 2003 نیروهای رزمی ارتش امریکا با حدود یکصد و شصت هزار نیرو، عراق را اشغال کردند و کنترول آن کشور را در اختیار داشتند.

و لیبی در سال ۲۰۱۱ مورد تهاجم قرار گرفت.

افغانستان را به بهانه مبارزه با تروریزم، عراق را به بهانه سلاح کشتار جمعی، لیبی را به بهانه نجات و حمایت از مردم و سوریه را به بهانه دفاع از حقوق بشر اشغال کردند.

بهانه های که آمریکا برای اشغال ممالک اسلامی استفاده کرده اند تا حال اسناد معتبر و دلیل مقنع بدست ندارد و تمام سخنان شان درین مورد ضد و نقیض است و حتی بعداً توسط سیاسیون غربی افشا شده است که اینها همه بهانه ای بود برای اشغال سرزمین های اسلامی و داشتن پایگاه نظامی به خاور میانه.

و اینکه برای اشغال و استعمار چه جنایات بزرگ و نابخشودنی را مرتکب شده اند در قسمت بعدی بازگویی خواهیم کرد

"قسمت پنجم"

جنایات_جنگی_آمریکا

دشمن در قدم نخست با راه اندازی جنگ فکری و با استفاده از ابزار های مختلف مانند: مطبوعات، رسانه های صوتی و تصویری، دانشگاه های مخصوص، ارائه دهی کنفرانس ها و... میخواهند اصل دین و اسلام ناب را از اذهان دور کرده و در مقابل با استفاده از علماء سو، اسلامِ را به مردم معرفی میکنند که آمریکا میخواهد نه الله متعال!

با این وجود اگر مسلمانان به نظام های موضوعه بشر مانند: دموکراسی، سکولاریزم و دموکراتیک شدن تن ندهند و خواهان اسلام سیاسی و نظام الهی باشند آنها را زیر نام (مسلمان رادیکال) روانه زندان میکنند.

و اگر به این مفکوره خود پافشاری کرده و بخاطر تطبیقش مسلحانه قیام کنند، آنگاه دشمن آنرا زیر نام تروریسم از بین میبرد و حتی اگر بیشتر خشمگین شوند با مادر بمب ها سراغ شان می آید.

همیشه از قوانین جنگ حرف به میان می آورند و گاهی سازمان های وابسته به آمریکا اشک تمساح ریختانده و ابراز نگرانی میکنند.

و جهانیان دیده اند، زمانیکه طرف جنگ، مسلمان باشد آنگاه هیچگونه قانونی در کار نیست و حتی علنا با قُلدوری قوانین وضع شده خودشان را نقض میکنند و فاسفورس و مواد کیمیایی دیگر علیه مسلمانان استفاده صورت میگیرد مانند باغوز و حلب...

هر کجا دست آمریکا رسیده آنجا را با خاک و خون یکسان کرده است خصوصاً یک کشور ضعیف (از هر نگاه) مانند افغانستان را، خانه ها را ویران کردند و هزاران زن و کودک (غیر نظامیان) را به قتل رسانیده اند و با گفتن اینکه " اشتباهاً " شد از جنایات این صلیبی ها چشم پوشی گردید.

حتی رسانه هایی که تحت کنترل آنهاست اعلان کردند، اکثر مردم ملکی توسط حملات هوایی نیرو های خارجی کشته شده اند

بلی!

ما درین هفده سال شاهد جنایات وحشیانه و گوناگون آمریکا در ولایات مختلف این کشور بودیم مثلاً:

در سال2001 حمله نمودن به دو بیمارستانِ مخصوص اطفال در کابل و هرات.

در ماه جون 2002 حملات به مراسم عروسی در روستای ککرک ولایت ارزگان.

در 2004 حمله هوایی به بیمارستانی در کندز و حمله به عروسی در شرق کشور.

در 2005-2006 حمله بالای مردم عام در ولایت بغلان و بمباردمان نمودن کُل روستای پنجوایی در قندهار.

در 2008-2007 بمباردمان نمودن روستایی در هرات بمدت ۲شبانه روز- بالای مردم‌عادی در منطقه نوآباد.

در 2009حمله ی هوایی هلی کوپتر های آمریکایی در مزارعی در شهر گرانای فراه - و حمله به مدرسه ای در شهر (کنر) و به رگبار بستن دانش آموزان.

در 2010 حمله وحشیانه به روستای سنگین ولایت ننگرهار.

در 2012 حمله به 2 روستایی در نواحی ولایت قندهار.

در 2013 حمله شبانه بالای منازلی در قریه سلطان ولسوالی شگل.

در 2015 حمله هوایی به بیمارستانی در ولایت قندوز.

در سال 2017 فقط در ماه سپتامبر ۷۱۵ بمب بر سر مردم عادی استفاده شده است.

در 2018 اجرای چندین حملات وحشیانه بالای مردمِ عام وخاص.

البته این آمار مختصر و گوشه ی از جنایات این طاغوت و شیطان بزرگ است و همینگونه وحشی گری و ظلم حالاهم جریان دارد، چنانکه چندی قبل شاهد حمله نیروهای هوایی بر مردم ملکی در کندز بودیم که ده ها طفل را قتل عام کردند.

و آماری که سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود نشر نموده است، در نتیجه جنگ و خشونت در سال 2018 بیش از 3800 غیر نظامی کشته و حدود 7200 نفر دیگر زخمی شده اند که نسبت به تلفات غیر نظامی در سال 2017 میلادی افزایش را نشان می‌دهد.

و حملات هوایی که توسط این سفاکان بالای ملت مظلوم سوریه و عراق صورت گرفت آمارش از دست رفته است

چنانکه در یک روز سه هزار زن و کودک را در باغوز به شهادت رسانیدند، آنهم به بدترین شیوه(با استفاده از فاسفورس) در حالیکه استفاده آن در تمام دنیا منع است آنها را زنده سوزاندند!

همچنان #موصل را با استفاده از مواد کیمیایی و توپ های سنگین بالای مردم هموار کرد حتی که ماه ها بعد اجساد زنان و کودکان از زیر آواره ها بیرون آورده شد.

بلی، دشمن میخواهد جبراً نظام های فرسوده خود را بالای ما تطبیق کند و اگر اندک سرپیچی کردیم با چنین ظلم و وحشت روبرو خواهیم شد، اینجاست که آنها خود را مدافع حقوق بشر میخوانند و سازمان های وابسته و مزدور هم اشک تمساح میریزند

(نتیجه گیری)

محمکترین دلیل و هشدار برای بیداری مسلمانان قرآن است و الله متعال در قرآن بارها تاکید فرموده است که #کفار دوست شما نمیشود.

تا آنجا که صراحتاً میفرماید: (ولایزالون یقاتلونکم حتا یردوکم عن دینکم ان استطاعو)

یعنی: کافران با شما کارزار میکنند تا اینکه شما را بتوانند از دین و عقیده تان برگردانند "خواه جنگ فکری باشد یا نظامی، مخفی باشد یا علنی"

منظورم از ذکر آیه فوق همین است که برای شخص مسلمان، کلام الهی بزرگترین دلیل و برهان است تا دوست و دشمن را از هم تفکیک دهد، پس لازم نیست که ما با تأویلات و توجیهات هوای نفسانی خویش، دوستی با کفار و همکاری با آنها را مشروعیت دینی داده و با آنها هم رکاب شده علیه برادران مسلمان خود بجنگیم.

چون از قرآن و سنت و همچنان از تاریخ پرشکوه اسلام برایمان ثابت شده است که آنها همیشه علیه مسلمانان پلان سنجیده و برنامه ریزی میکنند تا باشد ضرری به مسلمانان برسد اگر چه اندک باشد.

دشمن میداند اگر مسلمانان را فرصت بدهیم دوباره دور هم زیر یک پرچم واحد جمع میشوند تا دولت و خلافتِ تاسیس کنند که هیچ مرز را نشناسد همانگونه که اجداد شان این کار را کردند و سالهای متمادی ما زیر حاکمیت و فرمان آنها بودیم حتا که آمریکاي فعلی "شیطان بزرگ" به آنها جزیه پرداخت میکرد.

بناءً دشمن پلان خیلی گسترده و وسیع علیه امت اسلام گرفته است تا اصل را (که همانا ایمان و تطبیق شرع الله است) از آنها بگیرند توسط علما سو و با تحریف مفاهیم!

البته باید اعتراف کرد که دشمن با پلان های شومش، با مصارف گزاف علیه امت اسلام تا جایی کامیاب شده و به هدف خود هم رسیده اند.

چنانکه امروز اکثر جوان مسلمان (نعوذبالله) از اسم جهاد متنفر است و یا کسانیکه از اشغال، استعمار و قیام علیه آنها حرفِ به میان می آورد آنها را کهنه فکر و خشک مغز میخوانند.

دیدیم اساتید دانشگاه و جوانانی را که جرئت کردند تا علیه احادیث #صحیح_بخاری بتازند و همچنان عده دیگر حکمی از احکام اسلام را به مسخره گرفتند.

سپس گروه های تشکیل گردید زیر نام جمعیت فکر، نو اندیشی دینی، پژوهشگران با نام های مستعار، تشکیلات را ساختند زیر نام انجمن های علمی و تخصصی که فتاوی از آن صادر میشود،

خلاصه اینکه دشمن، امت اسلام را در یک جال بزرگ محاصره کرده و یا به عباره دیگر به خواب مقناطیسی سوق داده است که هر چه در حق ما روا میدارند ما فقط لبخند میزنیم.

(پیشنهاد و راه حل)

عُلما و مشایخ کرام هر یک کوشش و تلاش به خرچ داده اند تا برای اسلام و امت رنج دیده یک راه حل برای بیرون رفت ازین بحران ها و حالت ذلت بار کنونی پیدا کنند.

به مانند موسسین بعضی از احزاب که چهره های تاثیر گذار برای این امت بوده اند و هیچکس از خدمات شایسته آنها و حزب آنها منکر شده نمیتواند، مثلاً:

امام حسن البنا رهبر اخوان المسلمین، مولانا الیاس امیر جماعت تبلیغ، شیخ تقی الدین نبهانی موسس حزب التحریر و همچنان سران بعضی از گروه های جهادی رحمة الله تعالی عنهم اجمعین.

یعنی هر کدام از این بزرگوارن با درد و غم و همت والا و با هدف آزاد سازی امت اسلام از اسارت فکری و نظامی قیام کرده اند تا اینکه درین راه جان را به حق سپرده اند

باید یاد آور شوم که هیچ حزب و گروه کامل نبوده و عاری از خطا و اشتباهات نیستند، یعنی هر یک مشکلات، کمی ها و کاستی های خود را دارا بوده و به تنهایی نمیشود نسبت به افکار و راه و روش یک حزب/گروه امت اسلام را سر و سامان داد.

تنها گروهی که کامل و عاری از خطاها بود، گروه اصحاب کرام با سرپرستی پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند چون با نزول وحی تدریجی به کارِ امر و از عملِ نهی میشدند.

بناءً بکار بردن افکار و عمل مثبت احزاب "نامبرده" موثر و مفید است زمانیکه باهم باشند نه علیه هم!

مثلاً نمیشود اعضای حزب التحریر برای نداشتن فکر سیاسی برادران تبلیغی را ملامت کنند و یا آنها تحریری ها را برای نداشتن تزکیه نفس و نبود سنت در زندگی، و همینگونه ملامت کردن بعضی از اعمال اخوان المسلمین که از روی حکمت و مصلحت انجام میدهند و یا باطل خواندن گروه های جهادی از سوی این حزب...

یعنی هر کدام اینها شعبه ای از شعبات دین هستند و نمیشود به تنهایی کامل بود، بدین لحاظ زمانیکه تزکیه، سیاست اسلامی، حکمت، مصلحت ودرایت، و همچنان قیام مسلحانه، یعنی زمانیکه همه ای این شعبات باهم یکی شوند اینجاست که دعوت و هدف کامل شده و امید به سوی بیداری بیشتر شده میرود.

پیشنهادات بنده:

۱. باید که به جای تخریب یک حرکت، در پی اصلاحات آن باشیم چون همپذیری و اتحاد رمز پیروزی است،

بلی! امت مریض است و با مریض نمیشود مانند قصاب رفتار کرد باید طبیب بود "چون قصاب فصل میکند و طبیب وصل"

۲. هر مسلمان باید معنی کلمه و شروط آنرا بطور کامل فراگیرد چون اینها اصل ایمان است و بدون ایمان پیروزی ممکن نیست.

۳. تا زمانی پیرو احزاب فکری و گروه های جهادی باشید (که از راه حق منحرف نشده) و از دایره اهلسنت خارج نگردند در غیر آن از آنها برائت بجویید!

۴. هیچگاه مفکوره تان منحصر به فرد و مبارزه تان منحصر به منطقه، ولایات، و کشور نباشد بلکه جهانی بیندیشید. فرا بخوانید و مبارزه کنید، چون الله متعال به اندازه فکر و اراده بنده کارش را وسعت میبخشد.

۵. خود را مسئول این امت درد دیده بدانید، خواهران و برادران که به جرم ایمان داشتن به الله زندانی اند مانند: مسلمانان ایغوری و عزیزان که به جرم قیام علیه ظالم و تطبیق شرع الله اسیر اند مانند: مسلمانان سوریه، عراق، افغانستان، قوقاز، چیچن، تاجکستان ... و سرزمین های اسلامی که با مکر سیاسی و حضور نظامی از سوی دشمن غصب شده است.

موارد فوق را همیشه به یاد بیاورید و برای رسیدن به هدف، با همت والا و با اراده بزرگ و فولادین تلاش کنید تا اینکه یا به حق میرسید و یا در راه حق جان میدهید.

اللهم ارحم كل من يقرأ هذه الرسالة ويقبله قبولاً تاماً

انتشارات

پاسخ جوان به اسلام ستیزان

بهار 1398